

۶ کبری علیزاده

برای زادروز
زمینی شدیم!

۴ احسان دانشور

ناترازی
چالش بزرگ
ایران

۲ حسن دادخواه

گفتار دیپلماسی
گفتار محترمانه!

۷ علی حسینی

درباره پراکندگی
شرکت کنندگان
در مسابقه بوموسی

۴ حسین شیخی

نامه ترامپ
و موقعیت روسیه

۳ امیرمحمد پوربیرام

ویژگی‌های
فرهنگی تاب‌آوری

۳ رئوف پیشدار

به «ایران»
فکر کنید



خوزی‌ها اولویت نخست توسعه در خوزستان را بررسی می‌کند:

اشتغال‌زایی

با تحلیلی از منوچهر برون در صفحه ۳ این شماره

تاوان تندروی

از مشروطه تا امروز هر گاه ایران زمین خورده است، پای جریان یا افراد تندرو در میان بوده است. تندروی اما در مقابل محافظه‌کاری یا اعتدال نیست. تندروی حتی معادل انقلابی‌گری و روحیه جوانی نیست. تندروی بیشتر به برداشت،

استنباط و قرائتی می‌ماند که بدبینانه‌ترین تفسیر را از امر واقع می‌نمایاند. تصویری که گاه کاریکاتور تصویر اصلی هم نیست. مانند آن‌چه خوارج در دوره مولا علی (ع) و طالبان و القاعده در دوره معاصر رقم زدند. یا آن‌چه در اروپای نیمه اول قرن بیستم اتفاق افتاد و دامنه‌ای از نژادپرستی تا کشورگشایی را شامل می‌شد.

به تحقیق می‌توان گفت که هیچ نگره و اندیشه‌ای هم‌پای تندروها و رادیکال‌ها، بشور را به محاق نبرده، جوامع بشری را به قهقرا نکشاند و خون نریخته است.

تندروی رویه دیگر عصبيت است. دقیقاً از همان جنسیتی که ابن‌خلدون آن را سوخت براندازانه تمدن‌ها می‌پنداشت و عامل توقف قبایل بدوی بر بلاد. از این روست که اگر تندروی را می‌توان در زمره مصادیق مدیریت هیجانی جامعه انسانی نام برد، رد پای آن محدود به کاربست‌های سنتی نیست و گاه مشاهده می‌شود که تندروها از آستین مدرنیسم بیرون آمده‌اند. تندروی اما یک رهیافت است که گاه کت و شلواری و سانتی‌مانتال و گاه مشتی و حاجی‌بازاری است، او در هر فرمی می‌تواند ظاهر شود، اندیشه اوست که بیمار و منجمد و فاسد است. فساد در تفکر فرد یا جریان تندروست.

در ایران امروز هم فرازهای کمی نبوده که عقلانیت، آینده و تدبیر پیش پای رادیکالیسم ذبح شده است. چه افکار معتدل و چه انسان‌های میانه‌روی که به جرم رعایت میانه و اعتدال، نفی و نهی شدند و از میدان سیاست و مسئولیت اخراج گردیدند. و چه افکار مسموم و انسان‌های منحرفی که با تندروی توانستند بر جای عقلا و اهل سنجش مصالح جامعه جلوس کرده و تکیه زنند.

امروز آفتی خطرناک‌تر از تندروی برای جامعه ایرانی نمی‌شناسیم. تندروها البته گاه محبوب و مقرب‌اند. صدای تندروها بلند است و گاهی بر صدای عقلا و مصلحان غلبه دارد. این خاصیت تندروی است که با زوری در لباس رعب، به نصرت دست می‌یابد. تندروی البته که فرصت‌سوزی است. سایه تندروها، باعث عقب‌ماندگی کشور است. راهی جز انزوای تندروها نیست. ماشین تندرو، جز سقوط به دره سرنوشتی نخواهد داشت. همین.



محمد کربلی

۴ قاسم آل کثیر

گرگبعان
جشنی کودکان

۷ رضا سیلاوی

ده راه
برای اطمینان از
صحت پزشکی

۲ رضا غیبشای

ترامپ چگونه
نامه‌اش را
نابود کرد؟

۶ حسین بذرافکن

نقش تخیل
در آفرینش‌های
ادبی و هنری

۵ حسین الهائی سحر

بازپسگیری شهرها
برای مردم

۵ اسد آبشیرینی

تاریخ‌گرایی
نوین

۲ عبدالرحمن نیک سرشت

چرا وحدت راهبردی
اسرائیل با ترکیه
محال است

چرا وحدت راهبردی
اسرائیل با ترکیه
محال است

گفتار دیپلماسی گفتار محترمانه!



حسین دادخواه

بر حسب سالیانی بلند از شنیدن و دیدن رفتار دیپلماسی سران و بزرگان کشورهای جهان در صفحه سیم و در رسانه‌های همگانی، روشن است هر چند که روابط میان دو کشور، تیره و غبارآلود بلکه ستیزانه باشد اما سران و بزرگان و مقامات ارشد هر دو دولت، در گفتار و رفتار دیپلماسی، نهایت احترام دوجانبه را برابر با قراردادهای جهانی و طبیعت کار سیاست‌ورزی بکار می‌برند!

آنان در گفت‌وگوهای دو سویه و مستقیم و بدون واسطه و در یک بازه نامعلوم، در کنار یک میز می‌نشینند و ساعت‌ها و بلکه سال‌ها برای دستیابی به توافق و تأمین حداکثری منافع ملی کشورهای خویش، شکیبایی به خرج می‌دهند و چانه‌زنی می‌کنند بدون به کار بردن واژگان درشت و تند و غیرمودبانه! بدون آوردن شواهد و نمونه از این گونه رفتارها، اصولاً در آموزه‌های دینی ما، سفارشات مهم و مکرری بر پرهیز از بدزبانی و پرخاشگری و آن‌چه که دربردارنده توهین و کوچک شمردن مخاطب است، دیده می‌شود! یک انسان دیندار، به لحاظ تربیت و رشد شخصیتی، نمی‌تواند گفتار غیربهداشتی و آلوده در رفتار با دیگران داشته باشد. افزون بر آموزه‌های دینی، در فرهنگ و ادبیات ایرانی چه در شعر و نثر، سفارش‌های فراوانی بر پاکیزگی گفتار و کلام و سخن دیده می‌شود.

بر این پایه، از یک کارگزار مسلمان و سیاست‌ورز و مقامات دولت‌های اسلامی، بیش از دیگر همتایان آن‌ها، انتظار می‌رود که در موضع‌گیری‌ها و اظهار نظرات که معمولاً بازتاب جهانی و همگانی دارد، از بکارگیری واژگان زشت و توهین‌آمیز حتی در خطاب با رقیبان و آن‌چه دشمن خویش می‌نامند، پرهیز کنند! مقامات کشورمان بارها، فرهنگ انقلابی و مدیریت داخلی خویش را به عنوان یک الگوی جهانی معرفی کرده‌اند و جهانیان و سران کشورها و جمعیت جهانی را به اقتدا و تقلید و الگوبرداری از ایران فراخوانده‌اند. آنان در دیدار با مقامات کشورهای اسلامی و پیرامونی ایران، آنان را مستقیم، پند و موعظه می‌کنند که سیاست خارجی خود را اصلاح و از ایران بیاموزند! این در حالی است که شوربختانه در موارد زیاد دیده و شنیده شده است که چه رده‌های جوان و جدید و پایین‌دستی و چه رده‌های عالی و برجسته، گاهی ادب گفتاری را از دست داده‌اند و بغض و خشم خویش را توانسته‌اند فرو بخورند و با به کار بردن واژگان سخیف و زشت و نامناسب در عرف دیپلماسی، مقامات دیگر کشورها را خطاب قرار داده‌اند!

این گونه گفتارها، جز نشان دادن عجز و ناتوانی در مواجهه دیپلماسی و در گفت‌وگوهای دو سویه، هیچ سودی نداشته است!

ترامپ چگونه نامه‌اش را نابود کرد؟



رضا غیث‌شوی

ترامپ با اعلام عمومی ارسال نامه به رهبری ایران، خواسته یا ناخواسته، نامه‌اش را نابود کرد. نامه‌ای که قبل از ارسال به تهران و رسیدن به دست آیت‌الله خامنه‌ای، توسط نویسنده‌اش کشته شد. چون ترامپ آگاهانه یا ناآگاهانه، پیش از ارسال، موضوع را رسانه‌ای و اعلام عمومی کرد. با این اقدام، شانس موفقیت نامه‌اش را به حداقل کاهش داد.

این برای چندمین باری است که یک رئیس ایالات متحده آمریکا برای رهبر ایران نامه مکتوب (و نه پیام) ارسال می‌کند. نخستین آن مربوط به جیمی کارتر به امام خمینی در فروردین ۱۳۵۹ و درباره حادثه اشغال و گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران است. بعد از آن و در زمان جنگ ۸ ساله عراق - ایران، ریگان رئیس‌جمهور آمریکا هم به امام خمینی نامه نوشت.

معروف‌ترین اما مربوط به نامه مکتوب اواما به آیت‌الله خامنه‌ای است که به صورت محرمانه ارسال شد. بعدها مشخص شد این نامه از طریق قابوس سلطان وقت عمان به تهران و رهبری ایران منتقل شد. این نامه با پاسخ مثبت روبه‌رو شد و براساس آن، مذاکرات با آمریکا انجام و توافق برجام به دست آمد.

نامه ترامپ به آیت‌الله خامنه‌ای برخلاف نامه‌های شفاهی و مکتوب قبلی سران آمریکا به رهبری ایران، به صورت محرمانه یا بدون اعلام عمومی انجام نشد بلکه برای اولین بار خود ترامپ این موضوع را اعلام و علنی کرد. حتی در زمانی که به گفته یک مقام آمریکایی این نامه به سمت تهران ارسال نشده و به همین دلیل مقامات ایرانی در این باره اظهاربی‌خبری کردند. این اقدام به معنی نابود کردن نامه است. براساس شناخت و رویه قبلی، پاسخ به چنین نامه‌ای به احتمال قابل توجه، منفی خواهد بود مگر این که اتفاق استثنایی رخ دهد.

ترامپ برخلاف روسای سابق آمریکا، با چارچوب مناسب نامه نگاری با سران جهان از جمله رهبری ایران آشنا نیست. او یا در پیش گرفتن شیوه نادرست برای ارتباط با ایران و درخواست مذاکره، به نوعی خودزنی دست می‌زند چرا که اقدامات خود را به شکست می‌کشاند. ترامپ با در پیش گرفتن شیوه نادرست در ارتباط و درخواست مذاکره با ایران، به نوعی به خودزنی دست می‌زند چرا که اقدامات خود را به شکست می‌کشاند. درخواست مذاکره با ایران دارای چارچوب‌ها و الزاماتی در محتوا و شیوه اجراست.

اشتباه ترامپ این است که در زمینه مذاکرات، تنها نتیجه‌گرا نیست بلکه روند را هم دوست دارد. او دوست دارد مذاکرات علنی و اعلام شده داشته باشد چیزی شبیه آن‌چه در مذاکرات سران آمریکا - کره شمالی رخ داد؛ در کنار هم ایستادند لبخند زدند و عکس یادگاری گرفتند. به لحاظ نتیجه‌گرایی، مسیر صحیح این است که درخواست از سوی آمریکا بدون رسانه‌ای شدن موضوع انجام شود. از نظر مقامات عالی ایران، رسانه‌ای شدن ارسال نامه از سوی ترامپ یعنی نویسنده نامه خود اقدامی در راستای فشار بر طرف مقابل انجام می‌دهد.

چرا ترامپ خبر ارسال نامه به رهبری ایران را اعلام عمومی کرد؟ دو احتمال در این باره وجود دارد: اول این که ترامپ واقعاً خواهان مذاکره و توافق است اما ناآگاهانه شیوه‌ای را انتخاب کرده که

احتمال موفقیت آن، اندک است. دوم این که ترامپ به نادرستی شیوه خود برای درخواست مذاکره آگاه است اما عمداً این شیوه را انتخاب کرده تا هم در جایگاه متقاضی مذاکره قرار بگیرد و هم طرف مقابل (ایران) آن را رد کند. به نظر نگارنده، گزینه اول صحیح است.

هدف ترامپ از این اقدام (ارسال نامه به رهبری)، انداختن دوباره توپ مذاکره به سمت ایران است. قبل از این، ترامپ به هنگام امضای یادداشت فشار حداکثری، درخواست و پیشنهاد مذاکره به ایران را مطرح کرد. آیت‌الله خامنه‌ای هم به صریح‌ترین شکل ممکن، مذاکره را رد کردند و آن را «عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه» ندانستند.

سابقه مذاکرات ایران و آمریکا در ۴۶ سال اخیر نشان می‌دهد مذاکرات به دو شکل «اعلام شده» و «اعلام نشده» انجام شده است. با این حال، تعداد مذاکرات مستقیم «اعلام شده» درباره موضوعات دوجانبه، بسیار اندک و انگشت شمار است. اکثر این مذاکرات، اعلام نشده بود که بعداً توسط رسانه‌ها یا مقامات دو طرف اعلام عمومی و رسانه‌ای شد.

در صورتی که ایران بخواهد با آمریکا مذاکره کند مذاکرات اعلام نشده را در پیش می‌گیرد و این، نیازمند دعوت به مذاکره به صورت «اعلام نشده» است.

اصولاً احتمال موفقیت مذاکرات «اعلام نشده» به مراتب بیشتر از «اعلام شده» است.

هدف ترامپ از ارسال نامه چیست؟

هدف ترامپ، علاوه بر انداختن توپ مذاکره به زمین ایران، تلاش برای به انزوا کشاندن ایران در افکار عمومی جهان است. این که از تهران چهره‌ای مخالف دیپلماسی و راه‌حل‌های صلح‌آمیز ترسیم کند.

درباره دلیل ارسال نامه از سوی ترامپ به رهبری هم این موارد قابل اشاره هستند:

سران و رهبران کشورها، به همتایان خود در دیگر کشورها نامه می‌فرستند. در نتیجه این نامه‌نگاری و اقدام ترامپ در ارسال آن برای آیت‌الله خامنه‌ای رهبری ایران صحیح است.

براساس قانون اساسی و رویه و چارچوب‌های موجود در جمهوری اسلامی، رهبری در ایران عالی‌ترین مقام و تصمیم‌گیرنده کلیدی و اصلی در سیاست خارجی است. همانطور که قبلاً نیز روسای آمریکا برای رهبری ایران از جمله امام خمینی نامه مکتوب ارسال کرده بودند. بر همین اساس، مذاکرات و ارتباط با آمریکا، در دایره امور رهبری قرار گرفته است.

همچنین همه مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم میان ایران و آمریکا در ۴۰ سال قبل، با نظر و اجازه رهبری انجام شده است. ترامپ پیش از این و به هنگام امضای یادداشت فشار حداکثری علیه ایران، وقتی موضوع مذاکره با ایران را مطرح کرد گفت: «آماده‌ام با همتای ایرانی‌ام گفت‌وگو کنم». حالا مشخص شده منظور او نه مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری بلکه رهبری ایران بوده است. اشاره به این نکته هم مهم است که در آمریکا، رئیس‌جمهور یا رئیس‌جمهوری نداریم چون چیزی به نام جمهوری آمریکا وجود ندارد که رئیس داشته باشد. رئیس‌جمهور آمریکا یک غلط مصطلح سیاسی است. آنچه در آمریکا داریم رئیس است که عالی‌ترین و مهمترین مقام آمریکاست و ریاست حکومت و دولت این کشور را برعهده دارد. در واقع، رئیس آمریکا به رهبر ایران نامه ارسال کرده است.

اشتباه ترامپ این است که در زمینه مذاکرات، تنها نتیجه‌گرا نیست بلکه روند را هم دوست دارد. او دوست دارد مذاکرات علنی و اعلام شده داشته باشد.

چرا، وحدت راهبردی اسرائیل با ترکیه محال است



عبدالرحمن ترک‌سپهر

تمام سیاستمداران به‌خوبی می‌دانند در دست اردوغان خنجری است که از پشت به غافلگیری نواخته می‌شود و از همه بیشتر و آگاه‌تر به این مسأله رژیم غاصب اسرائیل است که البته، موساد خیلی قوی‌تر از میت - MIT (ازمان امنیت ترکیه) است و مثل دیگر سازمان‌های امنیتی - اطلاعاتی فریب رژیم پان‌ترکیسم اردوغان را نمی‌خورد.

دلیل قوت موساد، اشرف اطلاعاتی از بابت گسترده‌ی ارتباط شبکه‌ای آن سازمان با اغلب نهادهای امنیتی - اطلاعاتی کشورهای مختلف جهان بالاخص سیا C.i.a است و حتی چین و روسیه خودشان را محتاج همکاری امنیتی - اطلاعاتی با موساد می‌بینند و همواره آن دسته از کشورها که با سبک کار موساد آشنایی ندارند و بی‌گدار به آب می‌زنند از جمله زیان‌کاران حوزه هژمون خود هستند.

در نتیجه، لزوم مقابله با دسیسه‌های موساد برای کشورهای مستقل، نخست پوشاندن همه‌ی درزهای و انسداد همه‌ی نشئ‌ت‌های اطلاعاتی است و نیز برخورداری از رصد نیروهای نفوذی آن سازمان مخوف جهنمی در تشکیلات خودشان است.

البته، ناگفته نماند، ترامپ بارها می‌گوید: به نتانیاهو هیچ اعتمادی ندارم با این که خواهان همکاری و همدلی‌های همه‌جانبه با اسرائیل است و عجیب همین نسبت را نتانیاهو با اردوغان دارد یعنی، او نیز هیچ اعتمادی به حکام ترکیه ندارد با این که بالاترین همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی را با ترکیه دارد.

به هر حال، احمدالشرع سرسپرده‌ی اردوغان در سوریه، تا کنون نشان داده است که نمی‌تواند اقتدار، استقلال و تمامیت ارضی سوریه را پاسداری کند و راه تعامل با شهروندان را نیز بلد نیست و همواره از لوله تفنگ و با زبان گلوله با مردم خودش صحبت می‌کند و هرچه هم به اسرائیل چشمک می‌زند و عرض ارادت می‌ورزد با این حال بدون نتیجه و دست خالی برمی‌گردد و در عوض اسرائیل به خاک سوریه تجاوز نموده و زیرساخت‌های اقتصادی، نظامی و مواصلاتی آن کشور را نابود می‌کند و روز به روز به اشغالگری‌های خود می‌افزاید.

القصة، احمدالشرع جولانی هیچ اقدامی و حرکتی از خود در جهت مقابله با اسرائیل نشان نمی‌دهد و همه کارش التماس و قربون صدقه رفتن نتانیاهوست و عجیب ترکیه به جای حمایت راهبردی از حکام دست نشانده خود در سوریه به جهت مقابله با تجاوزات رو به گسترش اسرائیل، در سرکوب مخالفان وضع موجود در سوریه با جولانی همکاری می‌کند و باز با وجود این همه خوش‌رقصی برای اسرائیل، جالب این‌جاست که نتانیاهو هیچ اهمیتی به بود و نبود جولانی و نفوذ سیاسی ترکیه در مسایل سوریه نمی‌دهد و بر همین اساس با این که بیشترین روابط تجاری، اقتصادی و اجتماعی را با ترکیه دارد ولی با طناب اردوغان به چاه نمی‌رود.

یادگیری و نوآوری بخش جدایی‌ناپذیر سازمان‌های تاب‌آور است. این مسئله به‌ویژه در صنایعی نظیر دیجیتال، داروسازی و پزشکی مصداق دارد که هر روز اطلاعات و فناوری جدیدی منتشر می‌شود.

اشتغال‌زایی: اولویت نخست توسعه در خوزستان

اشتغال‌زایی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر جامعه‌ای است که تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت زندگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش رفاه عمومی دارد. در استانی مانند خوزستان که ظرفیت‌های بالقوه‌ای در حوزه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی دارد، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار می‌تواند تحولی اساسی در اقتصاد منطقه ایجاد کند.

برنامه‌ریزی برای توسعه اشتغال نیازمند حمایت‌های ساختاری و تأمین منابع مالی است. یکی از راهکارهای کلیدی برای تحقق این هدف، افزایش تسهیلات بانکی به بخش‌های تولیدی و کارآفرینی است. با تقویت حمایت‌های مالی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری به ایجاد و گسترش کسب‌وکارهای خود بپردازند. تسهیلات بانکی، به‌ویژه برای راهاندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، می‌تواند به عنوان یک محرک اقتصادی عمل کرده و ظرفیت‌های اقتصادی استان را فعال کند.

مشاغل خانگی نیز یکی از حوزه‌های مهم برای ایجاد اشتغال پایدار محسوب می‌شوند. در شرایطی که برخی از افراد امکان فعالیت در بازارهای کار رسمی را ندارند، توسعه مشاغل خانگی می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش درآمد خانواده‌ها باشد. بسیاری از این مشاغل در حوزه‌های صنایع دستی، تولید مواد غذایی، مشاغل دیجیتال و خدمات آنلاین قابل تعریف هستند که می‌توانند با حمایت‌های مناسب، به یک منبع درآمد پایدار تبدیل شوند.

علاوه بر حمایت مالی، ایجاد بسترهای مناسب برای آموزش و مهارت‌آموزی نیز از عوامل مهم در اشتغال‌زایی است. برگزاری دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای بازار کار و تربیت نیروی انسانی متخصص، نقش بسزایی در کاهش نرخ بیکاری دارد. هم‌چنین، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآور می‌تواند به توسعه اقتصادی استان کمک کند و فرصت‌های جدیدی برای اشتغال جوانان فراهم سازد.

خوزستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، ظرفیت‌های گسترده‌ای در بخش‌های نفت و گاز، کشاورزی، صنعت و گردشگری دارد که بهره‌برداری بهینه از آن‌ها می‌تواند زمینه اشتغال بسیاری از شهروندان را فراهم کند. سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های لازم، می‌تواند به رونق اقتصادی استان کمک کرده و نرخ بیکاری را کاهش دهد.

با توجه به اهمیت موضوع اشتغال، سیاست‌گذاری‌های دقیق، حمایت از بخش خصوصی، تسهیل شرایط برای کارآفرینان و توسعه مشاغل نوین، می‌تواند مسیری مطمئن برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار باشد. خوزستان با تکیه بر ظرفیت‌های خود و اجرای برنامه‌های هدفمند، می‌تواند به الگویی موفق در زمینه اشتغال‌زایی تبدیل شود و به توسعه متوازن اقتصادی دست یابد.

ویژگی‌های فرهنگی تاب‌آوری

فرهنگ تاب‌آوری سازمانی یک ذهنیت و مجموعه ارزش است که توانایی سازگاری احیاء و رشد در زمان بحران و اختلال را اولویت قرار می‌دهد. این فرهنگ رویکرد پیش‌گیری را برای مدیریت ریسک در برمی‌گیرد و متعهد می‌شود که قابلیت‌های لازم برای مقاومت در برابر چالش‌های مختلف را ایجاد و حفظ کند.

۱- آمادگی:

سازمان‌های تاب‌آور موضعی فعالانه و کنش‌ی در شناسایی و ارزیابی ریسک‌های بالقوه و نقاط آسیب‌پذیر دارند و پیش از وقوع بحران در جهت تبدیل این ریسک‌ها تلاش می‌کنند. آن‌ها همچنین به آینده‌پژوهی می‌پردازند و برای هر سناریوی احتمالی آینده، برنامه و استراتژی‌های مشخص دارند. از این رو، ارزیابی ریسک و برنامه‌ریزی اقتضایی به وضوح در فعالیت‌های آن‌ها دیده می‌شود. برای کاهش ریسک، به تقویت زنجیره‌های تأمین خود می‌پردازند، از امنیت سایبری خود مطمئن می‌شوند، فرهنگ مشغول نوآوری و انعطاف‌پذیری دارند، تاب‌آوری مالی را تقویت می‌کنند، برنامه مدیریت بحران دارند و بطور مستمر به نظارت و ارزیابی شرایط بیرونی و درونی مشغول هستند.

۲- چابکی:

سازمان‌های تاب‌آور، چابک هم هستند. چابکی به معنای توانایی تغییر سریع، واکنش به موقع و سرعت عمل در تصمیم‌گیری و اجراست. آن‌ها از نظر بهره‌وری به پای رهبران بازار نمی‌رسند ولی قدرت انطباق و بقای بیشتری دارند. ساختارهای سازمانی انعطاف‌پذیر، مدل‌های تصمیم‌گیری مشارکتی همراه با تفویض اختیار، تیم محور بودن و کارکنان توانمند چند کاره از نشانه‌های یک سازمان چابک است. امروزه بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان نیز مدل‌های مدیریتی چابک را در سازمان‌های خود پیاده کرده‌اند. تیم‌سازی، توانمندسازی کارکنان، افزایش اختیارات آن‌ها و تأکید بر یادگیری مستمر در تمام این شرکت‌ها دیده می‌شود.

۳- یادگیری و نوآوری:

یادگیری و نوآوری بخش جدایی‌ناپذیر سازمان‌های تاب‌آور است. این مسئله به‌ویژه در صنایعی نظیر دیجیتال، داروسازی و پزشکی مصداق دارد که هر روز اطلاعات و فناوری جدیدی منتشر می‌شود. در سازمانی که فرهنگ غالب مبتنی بر یادگیری مستمر همگام با تغییرات محیطی، یادگیری از شکست‌ها و نوآوری برای ایجاد تغییر یا انطباق با آن نباشد، به سرعت موجودشان منسوخ می‌شود.

۴- همکاری و ارتباطات:

شفافیت، ارتباطات موثر و اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و اهداف یکی از مؤلفه‌های حیاتی برای بقا در محیط‌های متلاطم است. این همکاری و ارتباط نه تنها درون سازمان، بلکه بین سازمان و ذینفعان مختلف نیز دیده می‌شود. هر فرد ممکن است دانشی کلیدی یا شناختی از یک ریسک بالاتری داشته باشد که بقای سازمان را تضمین می‌کند. سازمان تاب‌آور، نمی‌تواند زمان را بابت ارتباطات غیر شفاف و ناکارآمد

از دست دهد.

رهبری سازمانی و مسئولیت‌پذیری:

رهبری سازمان باید از راس آن فرهنگ تاب‌آوری را ایجاد کند. او باید با عمل خود تبدیل به الگوی دیگران شود، تاب‌آوری را نشان دهد و ابتدا خود و سپس دیگران را مسئولیت‌پذیر نگه دارد. رهبران سازمانی موفق، چشم‌انداز روشن و ارزش‌های کلیدی مدونی به کارکنان خود نشان می‌دهند که در تلاطم‌ها و ابهام‌های زودگذر، نگاه و انگیزه خود را از دست ندهند. آن‌ها حمایتگر، شفاف، مسئولیت‌پذیر و کارآ هستند.

ع- کنترل احساسات و هوش هیجانی:

رهبران سازمان‌های تاب‌آور، همدل و همدرد هستند و به خوبی قادر به درک احساسات و نگرانی‌های کارکنان‌اند. آن‌ها می‌توانند حمایت عاطفی کنند، فضای کاری مثبتی بسازند و به کارکنان در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات یاری رسانند. به‌طور کلی، رهبران سازمانی دارای هوش هیجانی قادر به ایجاد روابط مستحکم، ترویج یک فرهنگ کاری مثبت، تشویق ارتباطات باز، مدیریت موثر تعارض‌ها، انطباق‌پذیر و همگام با تغییرات هستند. آن‌ها این ویژگی‌ها و روحیات خود را به تدریج به کل سازمان انتقال می‌دهند و کارکنان ظرفیت روانی بسیار بالاتری برای مواجهه و عبور از سخت‌ترین پیشامدها را خواهند داشت.

۷- ساختن تیم‌های توانمند:

ویژگی بارز سازمان‌های تاب‌آور، انتخاب کارکنان درست، توانمند و چند کاره است. چنین کارکنانی همچنین باید با علاقه خود تحت آموزش مستمر قرار بگیرند، اختیارات کافی داشته باشند و تمام ابزارها و امکانات لازم برای رشد و موفقیت آن‌ها فراهم شود. تیم‌های کوچک و توانمند چنین سازمان‌هایی، به تیم‌های چریکی شباهت دارند که هر کس چند توانایی متنوع با تخصص عمیق دارد. اعضای چنین تیمی درک بهتری از یکدیگر دارند و سرعت زیادی در تصمیم‌گیری و اجرا نشان می‌دهند.

۸- توجه به سلامت روان کارکنان:

یکی از الزامات سازمان‌های تاب‌آور، به رسمیت شناختن اهمیت سلامت جسم و روان کارکنان است. از این طریق می‌توانند توازن بین کار و زندگی کارکنان ایجاد کنند، منابع لازم را برای سلامت جسم و روان کارکنان فراهم سازند، از آن‌ها در شرایط چالشی حمایت کنند و نیروی کاری تاب‌آوری در مقابل استرس و چالش‌ها بسازند. کارکنان سالم به چند دلیل در مقابل استرس و چالش‌ها توانمندتر هستند. ذهن سالم در بدن سالم است. کارکنان سالم اغلب توانمندی‌های شناختی بهتر مانند حافظه، تمرکز و توانایی‌های حل مسئله دارند. در نتیجه در بحران‌ها، کنترل احساس بیشتری نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری:

سازمان‌های تاب‌آور با بروز تغییرات گوناگون محیطی، بحران‌های احتمالی یا رخدادهایی مانند یک رکود اقتصادی جهانی، بیش از بقیه توانایی بقا و ادامه حیات خواهند داشت.

منبع:

www.EuropeanBusinessReview.com

به «ایران» فکر کنید

جناح‌های در قدرت و قدرت‌طلب چنان در «ایران» به جان هم افتاده‌اند و قدرت‌طلبی می‌کنند که فراموش کرده‌اند آن‌که و آن‌چه تا به همین جای کار بیش‌ترین و غیر قابل جبران‌ترین خسارت‌ها را دیده‌اند، سرزمینی مظلوم و وطن همه‌ی ما «ایران» است.

در تشبیه وضعیت کشور هر چه فکر کردم، بهتر و روشن‌تر و ملموس‌تر از این نیافتم که کشور را به گوسفندی مانند کرم که بر زمین زده‌اند و عده‌ای چاقو به‌دست هر چه دستشان می‌آید از آن می‌کنند و بی‌چاره ملتی که نظاره‌گر نابودی سرزمین و خاستگاه و هویت خود است، تحریم و فشار سنگین خارجی همراه با دعواها، حذف کردن یکدیگر، بی‌توجهی به زندگی مردم، شرایط غیر قابل تحملی را برای همگان و نه فقط یک قشر و طبقه خاص رقم زده است، و من هشدار می‌دهم که این بنا و این وضعیت برای مردم قابل تحمل نیست و دور نیست و نخواهد بود که لشگر گرسنه‌ها، فقر، ناامیدها، سرخوردگان و خلاصه عموم مردم راهی خیابان شوند که به هیچ روی، حتی روش‌های سنت شده! نمی‌توان آن‌را جمع کرد.

در شرایطی که بیش از همیشه به وفاق و همدلی نیاز داریم، می‌بینیم برخی در قدرت، به‌جای تمرکز بر حل معضلات، به اختلافات شخصی و گروهی پرداخته و بر طبل تفرقه می‌کوبند که نه تنها مشکلات را تشدید نموده، بلکه هزینه‌های روانی سنگینی را بر جامعه تحمیل کرده است.

برای ما در این شرایط فوق‌العاده بحرانی، اگر ایرانی هستیم، به ایران و بقا و تمامیت ارضی آن می‌اندیشیم تنها یک راه بیشتر نمانده است و آن اندیشیدن به «ایران» با این باور هست که همه‌ی ما سرنشینان یک قایق‌ایم و اگر توفانی شدیدتر درگیرد، همگان غرق خواهیم شد، شک نکنید!

وحشتناک‌تر از این وجود ندارد که می‌بینیم فقر در کشور روز به روز بیشتر و بیشتر متاستاز می‌دهد تا جایی که می‌خوانیم: افراد زیادی هستند که به‌دلیل هزینه‌ها، درمان را رها کرده‌اند، آن‌ها حتی توانایی پرداخت تفاوت ۱۰ و ۲۰ درصدی بیمه‌ها را هم ندارند. برخی خبریه‌ها اعلام کرده‌اند که «حدود ۵۰ درصد به مراجعه کنندگان‌شان افزوده شده و تعداد خیرین هم به شکل واضحی کم شده است.» (فقیران فقیرتر، و ثروتمندان کم‌بضاعت شده‌اند) /مژگان میرحبیبی، عضو هیأت مدیره شبکه ملی خیریه‌ها.

در کشوری که ادعا می‌شود حتی خرید نان مردم قابل رصد است، فساد مالی از همه نوع، به همه‌ی تاروپود کشور رسوخ کرده است و خبر تازه این که دو وزیر کابینه قبلی به جرم مشارکت در سوءاستفاده نجومی به زندان محکوم شده‌اند ولی بحث دادگاه با رسانه‌ای‌ها هم چنان این است که فساد سیستماتیک است یا نه!

در این وانفاس، مجلسی‌ها اهم مساله کشور را نه تحریم‌ها، هشدار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تهدید ۲۴ ساعته دشمن به حمله به کشور، خطر جنگ، فساد گسترده مالی، رانت خواری و امثالهم نمی‌داند که برایش عدم ابلاغ قانون عفاف و حجاب مساله است و طومار امضا کرده‌اند که قانون اجرا شود، ولی همین مجلس در برابر گرانی‌های فزاینده، فساد گسترده مالی، گرین کارتهایی که در جیب برخی صاحبان قدرت و مقام از جناح خاص است، سکوت می‌کند و برای مسائل اساسی کشور طرح و ایده‌ای ندارد و مردم هم از این مجلس قطع امید کرده‌اند! باور ندارید؟

یک انتخابات برگزار کنید، حتی خواهید دید که آرای سنتی را هم دیگر ندارید!

آقایان! سال نو نزدیک است، کفگیر مردم در دیگ زندگی چنان به ته آن خورده است که گویی خاک قبرستان به بازارهایش پاشیده‌اند. هر کجا می‌روی ناله و نفرین به این زندگی و بانیانش است.

شهامت دارید؟

بیایید با هم در بازار قدم بزنیم!

«در مراسم ۱۰۵مین سال تولد شهید مطهری پیرامون دیدگاه‌های اقتصادی او گفتیم: او هم متهم به دفاع از سرمایه‌داری بود، هم صاحب دیدگاه‌های سوسیالیستی! امروز مردم میگویند گور پدر همه‌شون! زندگیمون نمی‌چرخه!

کاری کنید دخل و خرجمون بخونه!» سید عزت‌الله ضرغامی، وزیر سابق و رئیس اسبق رادیو و تلویزیون،

آن‌چه در شرایط امروز کشور «مهم‌تر از تغییر دولت‌ها (است)، بازنگری و تغییر در ساختارهای اعمال حاکمیت است. امام(ره) در همان دهه اول حکمرانی، اقدام به تغییر قانون اساسی کرد. روش‌ها و رویه‌های ناموفق در اداره کشور تبدیل به تابو و خط قرمز شده‌اند.» ایضا منبع بالا.



رئوف پیشدار

نامه ترامپ به رهبر ایران و موقعیت سیاسی روسیه در ایران

پیشتر ترامپ به پوتین به تلویح نشان داده بود که برگ ایران برای روسیه دیگر سوخته است.



از نظر ترامپ قوی ترین و شاید تنها برگی که روسیه در برابر آمریکا دارد چین است؛ آمریکا از پوتین می‌خواهد در شرایطی که چین به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد و سیاست روسیه را از محاق و انزوا نجات دهد، در ازاء دریافت پاره‌ای امتیازات در جنگ اکرین و خروج نسلبناً آبرومندانه از آن و رفع تدریجی و متناسب پاره‌ای تحریم‌ها و بازگشت دوباره به جی ۸، اکنون جی ۷، از چین فاصله بگیرد، و در باره ایران هم، دست‌کم همان نقشی را بر عهده بگیرد که در سوریه در واپسین روزهای رژیم اسد داشت و اگر مایل باشد می‌تواند نیز در ترغیب تهران به ترک مواضع‌اش بکوشد.

به‌نظر می‌رسد که پوتین علاوه بر چین، می‌خواسته است که با ارائه پیشنهاد یک نقش میانجی‌گرایانه به آمریکا درباره ایران، این مناقشه را تا حصول نتیجه دلخواه درباره اکرین، از راه ترغیب پنهانی تهران به مقاومت به درازا بکشد.

این در حالی است که به‌نظر می‌رسد که آمریکا - و نیز البته اروپا، نظر به موقعیت ایران و شناختی که از مقاصد پوتین دارند و نیز با توجه به ارزیابی‌شان از محدودیت فرصت، چنان که از مواضع اخیرشان پیداست، و بالاخره با توجه به گسسته موضوعات مورد نظرشان در مذاکره که ناگزیر است بالاخره مذاکراتی مستقیم باشند، نمی‌توانند اجازه دهند که کار به میان‌داری پوتین سنجاق شود.

نامه مستقیم ترامپ به رهبر ایران علاوه بر دلالت‌های اصلی‌اش، ناظر به کار انداختن ماشین سیاسی روسیه در ایران هم هست.

ایران در حال حاضر با ناترازی قابل توجهی بین مصرف و تولید انرژی،



به‌ویژه در حوزه‌های برق و گاز طبیعی، مواجه است. با وجود این که این کشور دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان است، اما با چالش‌هایی در تأمین نیازهای داخلی انرژی روبرو است که منجر به کمبودها و قطعی‌های مکرر می‌شود.

در سال ۲۰۲۴، مصرف برق ایران بین ۳۲۰ تا ۳۳۰ میلیارد کیلووات ساعت kWh تخمین زده شد که این کشور را در میان ۱۲ کشور با بیشترین میزان مصرف برق در جهان قرار می‌دهد. این سطح از مصرف، از کشورهایی با جمعیت بیشتر مانند مکزیک، اندونزی، ایتالیا، بریتانیا و ترکیه فراتر رفته است.

با وجود ظرفیت اسمی تولید برق بیش از ۹۲ گیگاوات GW، بسیاری از نیروگاه‌های ایران قدیمی هستند و بخش قابل توجهی از نیروگاه‌های یخار و گاز بیش از ۳۰ سال قدمت دارند. این زیرساخت‌های فرسوده به ناکارآمدی و ناتوانی در تأمین نیاز روزافزون برق منجر شده است.

ایران همچنین در شبکه توزیع برق خود با تلفات قابل توجهی مواجه است، به‌طوری که حدود ۱۳ درصد از برق تولیدی در فرآیند انتقال و توزیع از بین می‌رود. این میزان تلفات معادل نیمی از مصرف گاز طبیعی در ترکیه است که نشان‌دهنده ناکارآمدی‌های جدی در این سیستم است.

مصرف گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۳ به‌طور میانگین ۸.۹ تریلیون فوت مکعب Tcf بوده که نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۳ درصد افزایش یافته است. ایران چهارمین کشور بزرگ مصرف‌کننده گاز طبیعی در جهان است و ۱۰ میلیارد متر مکعب بیش از مجموع ۳۰ کشور اروپایی گاز مصرف می‌کند.

با وجود تولید روزانه حدود ۸۵۰ میلیون متر مکعب گاز شیرین، ایران در فصول زمستان و تابستان با کمبود گاز مواجه است. این کمبودها به دلیل مصرف بالای داخلی در بخش‌های خانگی، تجاری و صنعتی تشدید شده‌اند.

در سال‌های آینده، ایران قصد دارد حدود ۷۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند تا ظرفیت تولید گاز طبیعی خود را افزایش دهد و تا سال ۲۰۲۷ به سطح ۱.۳۵ میلیارد متر مکعب در روز bcm/d برسد. این سرمایه‌گذاری شامل هفت پروژه تقویت فشار در میدان گازی پارس جنوبی است که هر کدام بین ۲.۵ تا ۳ میلیارد دلار هزینه دارند و در مجموع انتظار می‌رود طی پنج سال آینده ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شوند.

با این حال، پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که رشد تولید گاز ایران در سال ۲۰۲۴ کمتر از ۲ درصد و در سال ۲۰۲۵ کمی بیش از ۱ درصد خواهد بود. این رشد

ناترازی چالش بزرگ ایران

محدود عمدتاً ناشی از پروژه‌های جمع‌آوری گازهای همراه و افزایش تدریجی تولید در فاز ۱۱ پارس جنوبی است.

در بخش برق، انتظار می‌رود تولید برق ایران در سال ۲۰۲۵ به ۳۱۷.۱۰ میلیارد کیلووات ساعت برسد و نرخ رشد سالانه آن بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹ حدود ۰.۸۷ درصد باشد. این میزان رشد احتمالاً برای پر کردن شکاف بین مصرف و تولید کافی نخواهد بود، به‌ویژه با توجه به زیرساخت‌های فرسوده و نرخ بالای مصرف.

چه مقدار برق باید در سال ۲۰۲۵ تولید شود تا ناترازی جبران شود؟

ایران در حال حاضر با کمبود قابل توجهی در برق مواجه است که تخمین زده می‌شود حدود ۲۰ درصد از کل تقاضای کشور را شامل می‌شود. برای جبران این کمبود در سال آینده، ایران باید تولید برق خود را حدود ۲۰ درصد افزایش دهد.

تولید برق ایران عمدتاً وابسته به گاز طبیعی است که در سال ۲۰۲۳ حدود ۸۶ درصد از کل برق تولیدی کشور را تأمین کرده است. سایر منابع انرژی به‌شرح زیر هستند:

– برق آبی: حدود ۷ درصد از تولید برق ایران را تشکیل می‌دهد.

– انرژی هسته‌ای: تقریباً ۲ درصد از ترکیب تولید برق کشور را شامل می‌شود.

– انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی): در مجموع کمتر از ۱ درصد از تولید برق کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در سال‌های اخیر، تولید برق آبی در ایران به‌طور قابل توجهی کاهش یافته که عمدتاً ناشی از کاهش ذخایر آب پشت سدها بوده است. عوامل متعددی در این وضعیت نقش داشته‌اند:

– مصرف بیش از حد برق آبی: در پاسخ به کمبودهای

بخش انرژی ایران با چالش‌های قابل توجهی در عدم تعادل بین مصرف و تولید برق و گاز طبیعی روبرو است.

برق در دوره‌های اوج مصرف، ایران تولید برق آبی را افزایش داد که این موضوع منجر به کاهش شدید ذخایر آبی شده است. تا دسامبر ۲۰۲۳، حجم آب در مخازن نیروگاه‌های برق آبی ایران تنها ۴۰ درصد از ظرفیت کل بوده است که سطحی بسیار نگران‌کننده محسوب می‌شود.

– خشکسالی و مدیریت نادرست: خشکسالی‌های مداوم و سوءمدیریت منابع آبی بحران را تشدید کرده‌اند. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که تا سال ۲۰۴۱ منابع آبی کشور ممکن است به نصف کاهش یابد، درحالی که جمعیت ایران احتمالاً از ۱۰۰ میلیون نفر فراتر خواهد رفت. سرانه دسترسی به آب برای ایرانیان ممکن است به کمتر از ۵۰۰ متر مکعب برسد که نشانه‌ای از کم‌آبی مطلق است.

– کاهش سطح آب سدها: میانگین پرشدگی سدهای اطراف تهران تنها ۱۹ درصد گزارش شده است. منابع آبی پشت سدها که معمولاً در زمستان ذخیره می‌شوند تا در تابستان استفاده شوند، اکنون کمتر از نیمی از ظرفیت خود را دارند.

این چالش‌ها به‌طور چشمگیری سهم برق آبی در تولید برق ایران را کاهش داده‌اند و ضرورت بازنگری در استراتژی انرژی کشور را برای مقابله با ناترازی بین مصرف و تولید افزایش داده‌اند.

ایران دارای ظرفیت قابل توجهی برای توسعه انرژی خورشیدی است و سالانه حدود ۳۰۰ روز آفتابی و میانگین تابش خورشیدی ۲۲۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع دارد. در همین راستا، ایران برنامه‌هایی را برای ساخت نیروگاه‌های فتوولتائیک PV خورشیدی با ظرفیت کلی ۱۵ گیگاوات GW آغاز کرده است. این پروژه بلندپروازانه در سه فاز اجرا خواهد شد و نیاز به سرمایه‌گذاری ۸.۳ میلیارد دلاری از بخش خصوصی دارد.

در صورت اجرای موفقیت‌آمیز، اضافه شدن ۱۵ گیگاوات ظرفیت خورشیدی می‌تواند به میزان قابل توجهی کمبود برق ایران را کاهش دهد. با این حال، زمان‌بندی اجرای این پروژه‌ها حیاتی است. با توجه به بحران فعلی انرژی، اجرای سریع این طرح‌های خورشیدی برای رفع ناترازی فوری برق ضروری است.

با این حال، می‌دانیم که به دلیل درگیری‌های سیاسی و تحریم‌ها، تقریباً غیرممکن است که چنین سرمایه‌گذاری عظیمی برای افزایش ظرفیت تولید برق دریافت شود. اگر هیچ گشایشی در سیاست خارجی ایجاد نشود و مدیریت مصرف انرژی نیز بهبود نیابد، انتظار می‌رود که عدم تعادل بیشتری در بخش انرژی رخ دهد و کشور با قطعی‌های شدید برق و کمبود گاز مواجه شود.

بخش انرژی ایران با چالش‌های قابل توجهی در عدم تعادل بین مصرف و تولید برق و گاز طبیعی روبرو است. اگرچه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی برای افزایش ظرفیت تولید در نظر گرفته شده، اما نرخ رشد پیش‌بینی شده و ناکارآمدی‌های موجود نشان می‌دهد که این اقدامات ممکن است در کوتاه‌مدت برای حل بحران کافی نباشند.

گرگیان

جشنی که کودکان اهوازی بی‌صبرانه برای آن لحظه‌شماری می‌کنند

هنوز ماه مبارک رمضان به روزهای میانی نرسیده، اما خانواده‌های اهوازی و بسیاری از شهرهای دیگر حال و هوای گرگیان به خود گرفته‌اند. خانواده‌ها با شور و اشتیاق، لباس‌های سنتی، گیف‌های گرگیانی و تم‌های عکاسی کودکانه را برای این جشن که ویژه میلاد امام حسن مجتبی (ع) است را آماده می‌کنند.

گرگیان از معدود آیین‌هایی است که کودکان از هفته‌ها قبل برای آن لحظه‌شماری کرده و با اشتیاقی مثال‌زدنی به استقبالش می‌روند. امری که در میان مولودی‌های آیینی ایران کمتر دیده می‌شود.

با نزدیک شدن به نیمه ماه مبارک رمضان، اهوازی‌ها و بسیاری از خانواده‌های جنوبی خود را برای یکی از زیباترین سنت‌های آیینی این منطقه آماده می‌کنند. جشن گرگیان. این آیین که هم‌زمان با میلاد امام حسن مجتبی (ع) برگزار می‌شود، از جمله مراسم‌هایی است که کودکان در آن نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

خانواده‌ها از هفته‌ها قبل برای این شش‌خاطرهانگیز برنامه‌ریزی می‌کنند. خرید لباس‌های سنتی، تهیه گیف‌های مخصوص گرگیان، برنامه‌ریزی برای عکاسی کودکانه با تم‌های رنگارنگ و آماده‌سازی بسته‌های شیرینی و باسورک، همه بخشی از این جنب‌وجوش دلنشین است.

اهوازی‌ها گرگیان را هم جشنی مذهبی و هم یک آیین فرهنگی می‌دانند که ریشه در تاریخ و سنت‌های مردم جنوب ایران دارد. کودکان با خواندن اشعار مخصوص این جشن، کیسه‌های پارچه‌ای رنگارنگشان را پر از شیرینی می‌کنند و از خانه‌ای به خانه دیگر می‌روند. این شور و شوق کودکانه از حدود ۲۰ روز قبل از نیمه رمضان آغاز می‌شود، امری که در کمتر مراسم آیینی دیگری در ایران دیده می‌شود.

فرهنگ گرگیان که در کشورهای همسایه نیز نمونه‌های مشابهی دارد، فرصتی است برای تقویت روابط اجتماعی میان همسایگان، زنده نگه داشتن سنت‌های بومی و ایجاد خاطرات شیرین برای نسل‌های آینده. این جشن، که با شادی و همدلی همراه است، نمادی از بخشندگی و کرامت امام حسن مجتبی علیه السلام به شمار می‌آید و هر سال با شکوه بیشتری برگزار می‌شود.

مدیریت ترافیک، تنها یک مسئله فنی نیست؛ بازتابی از فلسفه حکمرانی شهری است. شهرهای موفق دریافتند که راه حل ترافیک، ساخت جاده های بیشتر نیست، بلکه ساختن شهری است که مردم در آن نیازی به طی مسیرهای طولانی نداشته باشند...

نگاهی به تقاطع های غیرهم سطح و ضرورت حمل و نقل عمومی:

بازپسگیری شهرها برای مردم



حسین الهای سحر

ترافیک سنگین و آلودگی هوا به چالشی مزمن در کلانشهرهای ایران تبدیل شده است. در سال های اخیر، مدیران شهری با اجرای پروژه های عمرانی نظیر

احداث تقاطع های غیرهم سطح، پهن کردن معابر و ساخت بزرگراه های جدید تلاش کرده اند تا گره ترافیک را بگشایند.

اما واقعیت این است که این راهکارها نه تنها پاسخگوی نیازهای موجود نیستند، بلکه به شکل متناقضی تقاضا برای استفاده از خودروی شخصی را افزایش داده و شهرها را در دام چرخه معیوب «توسعه زیرساخت - افزایش ترافیک» گرفتار کرده اند.

راهکار رایج؛ درمانی که درد را موقت می کند

سیاست غالب در مدیریت ترافیک ایران، تمرکز بر «عرضه خودرو محوری» است؛ یعنی افزایش ظرفیت خیابان ها، ساخت تقاطع های هم سطح و غیرهم سطح و حتی زیرگذرها. این نگرش بر این فرض استوار است که با روان سازی جریان خودروها، ترافیک کاهش می یابد.

با این حال، آمارها نشان می دهند که پس از احداث یک تقاطع غیرهم سطح، ممکن است در کوتاه مدت بهبودی موقت رخ دهد، اما ظرف چند ماه، حجم خودروها به سطح پیشین بازمی گردد و حتی از آن فراتر می رود.

این پدیده در پژوهش های ترافیکی با عنوان «تقاضای القایی» Induced Demand شناخته می شود؛ هرچه فضای بیشتری به خودروها اختصاص داده شود، انگیزه برای استفاده از خودرو افزایش می یابد.

تقاطع های غیرهم سطح؛ یک راهکار ناکارآمد برای حل معضل ترافیک

تقاطع های غیرهم سطح معمولاً به عنوان راهکارهایی برای کاهش ترافیک معرفی می شوند. این طرح ها با هدف تسهیل حرکت وسایل نقلیه طراحی شده اند، اما در عمل نتایج متفاوتی را به همراه داشته اند:

افزایش تقاضا برای استفاده از خودرو:

با ایجاد زیرساخت های جدید، افراد بیشتری به

استفاده از خودروهای شخصی ترغیب می شوند. این امر به افزایش تعداد خودروها در خیابان ها منجر می شود و در نهایت ترافیک را تشدید می کند.

کاهش کیفیت زندگی: تمرکز بر خودرو و نادیده گرفتن نیازهای عابران پیاده و دوچرخه سواران، فضای عمومی را تحت تأثیر قرار می دهد و کیفیت زندگی شهروندان را کاهش می دهد.

هزینه های مالی:

احداث و نگهداری تقاطع های غیرهم سطح هزینه های بالایی را به شهرداری ها تحمیل می کند. این هزینه ها می تواند منابع مالی را از پروژه های دیگر مانند توسعه حمل و نقل عمومی دور کند.

ضرورت تغییر رویکرد در ایران

مدیران شهری در ایران باید به این نکته توجه کنند که راهکارهای سنتی مانند ساخت تقاطع های غیرهم سطح نمی توانند مشکلات ترافیکی را به طور پایدار حل کنند. برای رسیدن به یک سیستم حمل و نقل کارآمد و پایدار، لازم است:

سرمایه گذاری در حمل و نقل عمومی:

توسعه سیستم حمل و نقل عمومی باید در اولویت قرار گیرد. این امر شامل افزایش تعداد خطوط اتوبوس، مترو و سیستم های ریلی است.

مدیریت ترافیک، تنها یک مسئله فنی نیست؛ بازتابی از فلسفه حکمرانی شهری است.

ایجاد زیرساخت های دوچرخه سواری: فراهم کردن مسیریهای ایمن برای دوچرخه سواران می تواند به کاهش ترافیک کمک کند و مردم را به استفاده از وسایل نقلیه غیرموتوری ترغیب کند.

توجه به نیازهای عابران پیاده:

طراحی فضاهای شهری باید به گونه ای باشد

که عابران پیاده بتوانند به راحتی از خیابان ها عبور کنند و از امکانات عمومی استفاده کنند.

پیاده مداری:

تبدیل مراکز شهری به «مناطق کمترافیک»، گسترش پیاده راه ها و معابر ایمن برای عابران.

شهرهای متعددی در جهان پروژه های تخریب تقاطع های غیرهم سطح یا بزرگراه های مرتفع را برای کاهش تراکم ترافیک و بازگرداندن فضا به مردم اجرا کرده اند. برخی از نمونه های برجسته عبارتند از:

۱. سئول، کره جنوبی

پروژه چئونگیچئون: یک بزرگراه مرتفع در مرکز شهر تخریب شد و به جای آن یک رودخانه احیا شده و فضای پیاده محور ایجاد گردید. این پروژه ترافیک را به شکلی جانبی منتقل کرد و کیفیت زندگی شهری را بهبود بخشید.

۲. پورتلند، اورگن، ایالات متحده

بزرگراه هاربر درایو: این بزرگراه در دهه ۱۹۷۰ حذف شد و به جای آن پارک و اتوفرانت ساخته شد. این پروژه الهام بخش شهرهای دیگر برای تبدیل زیرساخت های خودرو محور به فضاهای عمومی شد.

۳. بوستون، ایالات متحده

پروژه ی «بیگ دیگ» Big Dig: یک بزرگراه غیرهم سطح به تونل تبدیل شد و فضای سطحی به پارک ها و مناطق پیاده رو اختصاص یافت.

سخن پایانی:

زمان چرخش به سمت مردم فرا رسیده است مدیریت ترافیک، تنها یک مسئله فنی نیست؛ بازتابی از فلسفه حکمرانی شهری است. شهرهای موفق دریافتند که راه حل ترافیک، ساخت جاده های بیشتر نیست، بلکه ساختن شهری است که مردم در آن نیازی به طی مسیرهای طولانی نداشته باشند، امکان انتخاب های جایگزین (مترو، دوچرخه، پیاده روی) برایشان فراهم باشد و فضاهای عمومی به تسخیر خودروها درنیامده باشد.

اکنون زمان آن است که مدیران ایرانی به جای پرداختن به نشانه های بیماری، به درمان

ریشه ای بیندیشند:

بازپسگیری شهرها برای مردم.



اسد زیاپی

ما در ادبیات چیزی به نام «محتوا» نداریم، آن چه به عنوان «معنا» و «مفهوم» و «محتوا» می شناسیم، ادبیات معنا، ادبیات تاریخ، ادبیات سیاست، ادبیات زبان، ادبیات معشوق، ادبیات اجتماع، ادبیات حیات و

انسان و... در کل «برساخته های ادبی» است!

همه ی مفاهیم و مضامین شعر حافظ را تنها می توان در یکی دو صفحه خلاصه کرد: «زاهد ریاکار است»، «صوفی و محتسب ریاکارند»، «رند عالقدر است» و چیزهایی ازین دست.

مضمـامین trivial و به قول قدما: مطروحه فی الطریق. تقلیل ادبیّت متن به مضمون و محتوا در دنیای نظری امروز کاری به شدّت بی حاصل است. آن چه حافظ با فهم و ادراک ایرانی کرده از رهگذر آن چه «گفته است»، نیست، اتفاقاً از

رهگذر «آنچه نگفته است» است! درست همان چیزهایی که او نگفته، بنیان گذار تمام تفاسیر و تأویل های پایان ناپذیری است که تا قوم ایرانی هست آن ها هم خواهند بود. بیایید از حافظ مثالی بگویم، آن جا که می گوید:

«عشقت رسد به فریاد گر خود به سان حافظ

قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت».

حافظ قرآن را با تبخّر و چنان که خودش تصریح کرده با چارده روایت می خوانده و می فهمیده است، اما در نهایت همچنان که می بینیم راه به جایی نمی برد، فهمی که عشق بق برای حافظ به ارمان آورده از جنس فهم معمولی او از متن نیست، «نگفته ای است» که یک تأویل و تفسیر نوپدید و یگانه است که در سطور ظاهری قرآن بدان نمی توان رسید. و گر نه خواندن مصحف شریف و توضیح و تبیین مفاهیم آن چندان آن هم برای کسی چون حافظ کار دشواری نیست، دقیقاً این خوانش است که کار هر کسی نیست نه خواندن! می خواهم

بگویم که در مواجهه با متن، آن هایی که به دنبال معنی و محتوا می گردند چیز دندان گیری گیرشان نمی آید. تاریخ نیز در دیالوگ با ادبیّت

متن، از محتوای تاریخی اش می افتد. در تمام طول تاریخ

ایرانیان، هر دوره ای به هر دلیلی هزاران نفر بر دار کشیده شده اند، ولی هیچ داری، دار حسنک وزیر و منصور حلاج نشد. برای چه؟ به این دلیل ساده که در تاریخ بیهقی محتوا، دیگر محتوا نیست!

این ادبیّت بر دار کشیدن حسنک است که برای ما تاریخ ساخته است نه صرف تاریخ واقع و ارجاعی که ازین وقایع بسیار رخ داده و رخ می دهد. آن جا بیهقی تاریخ را اسطوره پردازی کرده است، آن هایی که می گویند در تاریخ بیهقی شاهنامه حضور ندارد سخت در اشتباهند، آیا به واقع بین

تاریخ گرایی نوین

معصومیت و مظلومیت حسنک و سیاوش شاهنامه تشابهی نمی بینید؟! خواندن تاریخ خالص عصر غزنویان که برای ما ادبیاتی ها لذتی ندارد، آن کار متخصص تاریخ آن دوره است!

ما حتّی نوشتجات کسی چون زرینکوب در باب تاریخ ایران را هم که می خوانیم و لذّت می بریم در حقیقت تاریخ نمی خوانیم، این قلم زرینکوب است که تاریخ را برای ما روایت می کند و گر نه محتوای اعصاری که در کتاب ایشان برشمرده شده، توسط تاریخ دانان بی طرف چنان خشک و علی معلولی بررسی می شود که در آن جای چون و چرا نیست از آن جا که تاریخ علم است نه هنر! تاریخ دان وقتی به بیهقی نگاه می کند کاری به وجه ادبی اش ندارد!

در تاریخ گرایی نوین ما به دنبال تاریخ در ادبیات نیستیم این کار مورخ است! ما اساتید و دانشجویان ادبیات از فقر نظری که داریم با متن ادبی بسان یک امر تاریخی برخورد می کنیم که آخرش هم کلاهمان در کلاه اهل تاریخ می رود.

در تاریخ گرایی نوین باید تمام عناصری که تاریخ را ادبی کرده است بررسیده شود، از عناصر روایی و مکاتب واقع گرایی و محاکات گرفته تا مباحث مربوط به اسطوره شناسی و نظریات ساخت شنکانه ی فوکو و دریدا و که و که، که ما را در «بازتاب» امر تاریخی به امر ادبی یاری می رساند. نمونه اش همان که در بالا ذکر شد و یکی از زیرمتن های مرگ حسنک، قتل سیاوش شاهنامه دانسته شد. همان بینامتنیّت! و باید گفت که در مباحث نظری نظریه پردازان و متفکران هم دیگر را صدا می زنند!

این طور نیست که در بحثی اگر از فوکو استفاده کردی بی نیاز از دریدا و دلوز و دیگران باشی، آن چه را ما در نظریات کنترل می کنیم حدود استفاده از مباحث آنان است نه خفه کردن صدای آن ها! همچنان که در آثار ادبی هم وضع به همین منوال است، عناصر ادبی نیز یکدیگر را در طول قرون صدا می زنند! آنچنان که

مادر حسنک هم که به قول بیهقی زنی بود سخت جگرآور و ماتم فرزندش را سخت نیکو بداشت، در رمان سووشون سیمین دانشور در شخصیت زری چهره نمایی خواهد کرد، و یوسف شوهرش هم عکس برگردان هم حسنک و هم سیاوش شاهنامه می شود. اصلا فارغ از ادبیات، در زندگی واقعی شخصی خودمان هم، هستند کسانی که واقعیت را تراژیک و هنری زندگی می کنند!

زندگی بعضی افراد آن قدر عمیق و تأمل برانگیز است که وقتی در خلوت خود بدو می اندیشی، گویی به یک شخصیت در یک رمان مشهور یا تراژدی فکر می کنی! واقعیت محض که زندگی کردن ندارد! زندگی ای که وجه هنری نداشته باشد ارزش زیستن ندارد.



سه شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۳ / سال چهارم/ شماره ۹۵۵

نقش تخیل در آفرینش های ادبی و هنری



حسین پندارفار

ذهن دنیای پر روز و رازی است. پیچیدگی خاص خود را دارد. حافظه در بستر ذهن جای دارد. آرشیو و بایگانی عظیمی از تصاویر آدم‌ها، خانه‌ها، کوه، دشت، درخت و... در حافظه ذخیره می‌شود. هر چیزی را که می‌بینیم و می‌شنویم و در حواس پنج گانه ما جای می‌گیرد در هارد عظیم ذهن ذخیره می‌شود که در وقت نیاز پردازش می‌شود.

در مجموع می‌توان افراد را به دو دسته تقسیم کرد.

افراد درون گرا
افراد برون گرا

افراد برون گرا به جهان اطراف ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. با دیگران زود دوست و صمیمی می‌شوند و روابط عمومی شخصی خوبی دارند.

اما افراد درون گرا کم حرف، گوشه‌گیر و منزوی به نظر می‌رسند و در دنیای درون خود غوطه‌ور هستند. بیشتر در درون خود ارتباط دارند.

تخیل را می‌توان به دو شکل مشاهده کرد:
(الف) تخیل ارادی
(ب) تخیل غیر ارادی
تخیل غیر ارادی ناخواسسته و انفعالی رخ می‌دهد.

تصور کنید دانش آموزی در کلاس درس نشسته و به درس معلم گوش می‌کند. معلم می‌گوید: زمین در فضا مانند توپی به دور خود می‌چرخد.

با شنیدن این جمله، دانش آموز بی‌اختیار به یاد مسابقه فوتبال می‌افتد که بازیکن تیم بارسلونا شوت کرد و توپ روی هوا چرخید وارد دروازه شد. بعد یاد اتفاق دیگری در این رابطه می‌افتد و زمانی که به خود می‌آید ریکواری رخ می‌دهد چند اتفاق دیگر را ناخواسسته در ذهن گذرانده است.

اما شکل دیگر تخیل آگاهانه، هدفمند و ارادی است. هنرمند چه نویسنده یا شاعر و نقاش... ابتدا تصویری یا سخنی ذهن او را تحریک می‌کند و انگیزه‌ای می‌شود برای نوشتن داستان یا سرودن شعری...

در این حالت نویسنده در ذهن خود شخصیت می‌سازد حادثه می‌آفریند به تجسم فضایی داستان می‌پردازد و در نهایت با به خدمت گرفتن سایر عناصر داستانی موفق به آفرینش یا اثر ادبی می‌شود.

در این رویداد استفاده از تخیل ارادی در دو شکل قابل انجام است. شکل اول تخیلی که



کوری علزاده

امروز وارد سن چهل و پنج سالگی می‌شوم. دیگر از بهت و ناباوری ورود به چهل سالگی خبری نیست و من پس از گذشت چهار سال دیگر خو کرده‌ام با این عدد عجیب و پر رمز و راز!

چهل و چهار سال گذشت به طرّفه‌العینی! به همان اندازه که ناکامی‌های تلخ بود، کامروایی‌های شیرین!

حالا دیگر نگاه پُر تجربه‌ام، کم کم از دیدن شیدایی مو گذشته و محو تماشای پیچش موی روزگار شده و زمان، تنها راه رسیدن به این نگاه پُر از تغییر و توانایی تازه است!

من امروز دیگر با نشدن‌ها کنار آمده‌ام! نرسیدن‌ها برایم به بهترین راه میانبر برای رسیدن تبدیل شده! نداشتن‌ها برایم جان کاه نیست و به این باور رسیده‌ام که رشد در اثر همین نافرجامی‌ها اتفاق می‌افتد!

من امروز دیگر بازی روزگار را بلد شده‌ام، نه کامل و جامع که به اندازه گذشت چهل و چهار سال و در شگفتم از عمق تفاوت میان من گذشته‌ای که امروز به این من نوا تبدیل شده!

شاید اگر در سال‌های دور می‌شنیدم که باید تلاش کرد اما نتیجه را به او سپرد، برمی‌آشفتیم! اما حالا دیگر تمرین مشق می‌کنم هر روز و هر لحظه این حقیقت محض را!

در سال‌هایی که گذشت با شکست‌ها در هم می‌شکستیم و با پیروزی‌ها مست «رسیدن» می‌شدم. اما امروز دیگر می‌دانم نه غم ماندنی است و نه شادی!

پس با آن، در لحظه به عمق تنگنای حزن نمی‌روم و با این از خود بی‌خود نمی‌شوم!

حالا دیگر برای خوشحال شدن منتظر یک اتفاق بزرگ نمی‌مانم و با بوئیدن گلی سرمست زیست کردن در این جهان هستی بی‌تکرار می‌شوم!

حالا دیگر نگاه سازنده‌ام، از خود و خانواده‌ام فراتر رفته و رنج دیگرانی که نمی‌شناسمشان، شده

بزرگترین دغدغه زندگی‌ام! و بهار برای من آن وقت است که بتوانم دلی را شاد کنم و از زنگار غم رهایی

بخشم و سوسوی امید را در کالبد خسته از رنج هم وطنی روشن نگه دارم و با جود و سخا، آرامش خاطر طلایی، که ماحصل یک نبرد واقعی بود را با آنان به اشتراک بگذارم، با او که شاید هرگز نام و نشانی از او نیابم!

و ای دریغ از سال‌هایی که گذشت! با افکاری خام و ناپخته! همان روزها که در خیال ناآگاهم این روزگار را چنان جدی گرفته بودم که غافل ماندم از حقایق بسیار!

برای زادروز زمینی شدنم!

جنگجو، صبور، قانع، امیدوار، متعهد، متوکل و البته بسیار رتوف!

حالا دیگر در پایان یک روز پُر زحمت و شلوغ به جای گلایه، لبخند رضایتی بر لب می‌نشانم عمیق و باورنکردنی! چرا که تنها این جمله در ذهنم حک و در گوشم طنین انداز می‌شود که:

«خدا یا شکر که من سلامت‌م، آن قدر که می‌توانم ساعت‌ها مشغول رسیدگی به خانه و امورات شخصی‌ام باشم و چه اتفاقی از این گوارتر».

من امروز در مقابل برخی برخوردها و اتفاقات، با یک نگاه تا ته ماجرا می‌روم و می‌توانم تجزیه و تحلیل کنم وقایعی را که شاید در سال‌های گذشته از کنارشان گذرا می‌گذشتیم چرا که حالا دیگر فریب ظاهر سازی یا دروغ و ریا را نمی‌خورم!

و این مهم تنها و تنها در پس گذشت زمان و آمدن زادروزهای مستمر است. پس می‌آرزد گذشتن از آن، برای رسیدن به این، چرا که حالا دیگر در هر حادثه تلخ یا اتفاق ناگواری در کنار تمام مکرر شدن‌ها، در پی آنم که بدانم و کشف کنم، که درسی مهم نهفته

در این ناگواری چیست و قرار است با عبور از این بحران، من به چه مرحله از رشد برسیم و همین می‌شود بهترین سوخت کوره انرژی عبور از مشکلات! من امروز خودم را دوست دارم! صمیمانه! حتی با وجود تمام انتقاداتی که به حق بر من رواست و من در کنار تلاش برای بهتر شدن و رسیدن به

نسخه بهتری از پندار و گفتار و کردار خویش، اما این من واقعی را دوست می‌دارم و به آن عشق می‌ورزم!

و مدام در تلاشم برای آنکه بتوانم توانایی بخشش خود و دیگران را در خود قوی تر کنم تا اینگونه، حس نوع دوستی را در ضمیر ناخودآگاهم نهادینه کنم!

و زندگی من امروز به واقع پُر از دارایی و شگفتی است، «برای پی بردن به راز قلم!».

به درک هر چند محدود توانایی بی‌نظیر نوشتن! برای آشنایی با وادی کلمات و جادوی جملات! برای درک توانایی بی‌نظیر این قلم، هر چند که پر اشکال باشد!

برای داشتن دفتر خاطراتی که در تلخی‌ها مرا بی‌نیاز می‌کند از درد دل کردن با هیچ کس دیگر و من در لحظه می‌نویسم، بی دغدغه، آزاد و رها از ملاحظات، برای محرم ترین یادگار از عجیب‌ترین چالش زندگی‌م!

و اینک سراپا سرشار از شکرگذاری‌ام! برای همه چیز! برای همه عمر! برای همه وقت!

✽نویسنده کتاب «با من همراه شو!»

همان واقعیاتی که فقط از پس چرخش بی‌اختیار چرخ روزگار و گذشت زمان بر من نمایان شد و لا غیر!

و من امروز نه تنها از گفتن عدد سنم هیچ ابایی ندارم بلکه سر از پا نمی‌شناسم برای دیدن نوع نگاه به روزگار و آدم‌ها و وقایع و پستی‌ها و بلندی‌ها در سن پنجاه و پنج سالگی و پس از آن شصت و پنج سالگی و...

من امروز می‌توانم فارغ از تمام دل مشغله‌ها و رنجش‌ها و مشکلات، هر روز به تنها دخترم بگویم «تو بهترین اتفاق زندگی‌ام هستی».

و به تنها پسرم بگویم «تو بهترین دارایی‌ام هستی» و مست لذت مادر بودن شوم!

امروز شنیدن یک «دوستت دارم» ساده از زبان همسر، می‌شود عمیق‌ترین دلگرمی زندگی‌ام.

بوسه‌ای که پدر بر پیشانی‌ام می‌نشانند می‌شود قشنگ‌ترین خاطره و همان اسکناس‌های مجاله شده‌ای که مادر برای هدیه روز تولد به من می‌دهد، می‌شود، بهترین و بارزش ترین داشته‌ام!

امروز دیگر رسیدن به اهداف بزرگ و آرزوهای محال اشک شوقم را جاری نمی‌کند، که با یک پیام محبت‌آمیز خواهر یا برادری چنان غرق در لذت داشتن خانواده می‌شوم که اشک بی‌اختیار مرهم می‌نهد به اوج احساس سپاسگزاری از او به خاطر داشتن آن‌ها!

من امروز شادمانم، برای داشتن همسری که اطمینان خاطر من نسبت به او می‌آرزد به فراموش کردن تمام نداشته‌ها!

برای داشتن فرزندی که آرزو می‌کند، کاش در روز تولدم می‌توانست به جای تحمل دیار غربت و محیط دانشگاه در آغوش مادرانه من آرام گیرد و بگوید «مادر دوستت دارم».

و ای دریغ از سال‌هایی که گذشت! با افکاری خام و ناپخته! همان روزها که در خیال ناآگاهم این روزگار را چنان جدی گرفته بودم که غافل ماندم از حقایق بسیار!

من امروز خوشبختم برای داشتن پدر و مادری که هر صبح برای عاقبت بخری ام دعا می‌کنند! برای داشتن خانه پدری! همان تنها خانه‌ای که برای رفتن به آن جا هیچ وقت نیاز به هماهنگی نبود و من هر لحظه و هر وقت که دلم هوای کوی محبت کرد، می‌توانم بی‌محیا به آن جا بروم و دختر بچه‌ای شوم که می‌خواهد کودکانه برای پدر و مادر دلبری کند حتی اگر خودش مادر دو فرزند باشد!

و من امروز دارا و ثروتمندم، برای داشتن روحیه‌ای

معماری آجری در شهرهای جنوب غرب مانند دزفول، شوشتر و ایلام و معماری سنگی در شهرهایی مانند کرمانشاه و همدان، نمونه‌هایی از پاسخ‌های هوشمندانه به شرایط اقلیمی و اجتماعی هستند که قرن‌ها به‌عنوان الگوی پایدار سکونت مورد استفاده بوده‌اند.

درباره پراکندگی شرکت کنندگان در مسابقه بوموسی:

معماری غرب و جنوب غرب ایران: از شکوه تاریخی تا غیبت در عرصه‌های ملی

فراموشی سپرده شده است

غرب و جنوب غرب ایران از دیرباز، خاستگاه برخی از شگفت‌انگیزترین آثار معماری کشور بوده‌اند:

– از تمدن عیلام تا معماری صفوی و پهلوی؛ این پهنه میزبان شاهکارهایی همچون زیگورات چغازنبیل، سازه‌های آبی شوشتر، پل‌های تاریخی لرستان، بازارهای سنتی زنجان، مساجد تاریخی تبریز و همدان و قلعه‌های کردستان بوده است.

– معماری مذهبی و مسکونی غنی در شهرهای تاریخی؛ مساجدی مانند مسجد جامع همدان، مسجد جامع بروجرد، مسجد جامع شوشتر و مسجد سلطانی بروجرد نشان‌دهنده تکامل معماری مذهبی در این خطه هستند. در کنار آن، خانه‌های تاریخی در دزفول، شوشتر، تبریز، بروجرد و همدان، گواهی بر سنت غنی معماری مسکونی منطقه است.

– سبک متمایز معماری آجری و سنگی؛ معماری آجری در شهرهای جنوب غرب مانند دزفول، شوشتر و ایلام و معماری سنگی در شهرهایی مانند کرمانشاه و همدان، نمونه‌هایی از پاسخ‌های هوشمندانه به شرایط اقلیمی و اجتماعی هستند که قرن‌ها به‌عنوان الگوی پایدار سکونت مورد استفاده بوده‌اند.

– معماری مدرن و صنعتی در دوران معاصر؛ در دوره پهلوی، شهرهایی چون آبادان، اهواز، کرمانشاه و همدان شاهد پروژه‌های مدرن صنعتی و شهری بودند که برخی از آن‌ها همچنان در زمره آثار ارزشمند معماری معاصر ایران قرار دارند.

اما با وجود این پیشینه درخشان، مطالعات معماری ایران همچنان بر نواحی مرکزی کشور متمرکز است. در جامعه آکادمیک و پژوهش‌های دانشگاهی، وقتی از «معماری ایرانی» صحبت می‌شود، بیش از هر چیز، معماری مناطق کویری و مرکزی ایران معرفی می‌شود، درحالی‌که معماری متنوع و غنی شمالی معتدل، جنوبی گرمسیری و غربی سرد و خشک، جایگاه کم‌رنگی در پژوهش‌ها و هویت بخشی معماری کشور دارند.

این نادیده گرفتن، در کنار تأخیر در تأسیس دانشکده‌های معماری قوی در غرب ایران، سبب شده است که معماران و شهرسازان این مناطق کمتر در تصمیم‌گیری‌های کلان معماری کشور حضور داشته باشند و سهم آنان از پروژه‌های نوآورانه و مطالعاتی کمتر شود.

چرا غرب و جنوب غرب ایران از جریان اصلی معماری کشور عقب ماند؟

۱. معماری به‌عنوان راه حل مسائل شهری، نادیده گرفته شده است

در بسیاری از شهرهای این خطه، معماری و شهرسازی دیگر ابزاری برای حل مشکلات شهری تلقی نمی‌شود. این در حالی است که بافت‌های فرسوده شهری، گرمایش شدید، ریزگردها، کمبود سرانه فضای سبز و رشد پراکنده سکونتگاه‌ها، از مهم‌ترین چالش‌های امروز خوزستان و اهواز

هستند که می‌توان با تفکر معماری و شهرسازی، راهکارهایی عملی برای آن‌ها ارائه کرد.

۲. فاصله میان دانشگاه، حرفه و مدیریت شهری در شهرهایی مانند تهران و اصفهان، ارتباط میان مراکز آموزشی، دفاتر معماری و مدیریت شهری، زمینه‌ای برای تولید دانش کاربردی فراهم کرده است. اما در غرب و جنوب غرب ایران، این ارتباط هنوز شکل نگرفته و معماری بیشتر به‌عنوان یک رشته تئوریک و منفصل از مسائل اجرایی تلقی می‌شود.

۳. ضعف زیرساخت‌های آموزشی در حوزه معماری دانشکده‌های معماری در این منطقه دیرتر از سایر نقاط کشور تأسیس شدند و تا مدت‌ها، توسعه آن‌ها به‌کندی پیش رفت. این امر باعث شد که بسیاری از دانشجویان معماری برای ادامه تحصیل به سایر شهرها مهاجرت کنند و ارتباط میان متخصصان و شهرهای زادگاهشان کاهش یابد.

راهکارها: چگونه می‌توان از معماری برای حل مسائل امروز خوزستان بهره برد؟

الف) معماران و شهرسازان

– بررسی تخصصی چالش‌های زیست‌محیطی و اقلیمی خوزستان و ارائه راهکارهای طراحی برای کاهش اثرات گرمایش، ریزگردها و سیلاب‌ها.
– مسکن سازی آثار بومی و بهره‌گیری از دانش تاریخی در معماری نوین (مانند الگوهای خنک‌کننده در معماری سنتی دزفول و شوشتر)

ب) مسئولان و دست‌اندرکاران

– ایجاد بستر رقابتی در تصمیم‌گیری‌های شهری؛ برگزاری مسابقات معماری برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی، طراحی مسکن متناسب با اقلیم و سوانح محتمل، و بهبود کیفیت فضاهای عمومی.

ج) مردم و جامعه محلی

– افزایش مطالبه‌گری در مورد کیفیت طراحی شهری و درخواست فضاهای عمومی با طراحی‌های مناسب برای اقلیم خوزستان.

جمع‌بندی: آیا می‌توان با تفکر معمارانه، آینده‌ای بهتر برای اهواز و خوزستان ساخت؟

عدم حضور معماران خوزستانی در مسابقه بوموسی، بیش از آنکه یک آمار باشد، یک هشدار است.

خوزستان، به‌ویژه اهواز، با بحران‌های زیست‌محیطی، رشد نامتوازن شهری و چالش‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند. این در حالی است که معماری و شهرسازی می‌توانند نقشی کلیدی در بهبود کیفیت زندگی ایفا کنند. اگر معماران، مدیران و شهروندان این منطقه معماری را تنها به‌عنوان یک حرفه نبینند، بلکه آن را ابزاری برای حل مشکلات و بهبود کیفیت شهرها بدانند، خوزستان نه تنها جایگاه خود را در عرصه معماری ملی باز خواهد یافت، بلکه به الگویی برای شهرهای پایدار و تاب‌آور تبدیل خواهد شد.



سه‌شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۳ / سال چهارم/ شماره ۹۵۵

ده راه برای اطمینان از صحت اخبار و مطالب پزشکی در فضای مجازی

در فضای مجازی،

۶. احتیاط در برابر جملات اغواکننده و مطلق اگر مطالب از جملات اغواکننده یا مطلق مانند «۱۰۰ درصد تضمینی» یا «درمانی معجزه‌آسا» استفاده می‌کنند، شک کنید. علم پزشکی بر اصول آزمون و خطا و مدارک علمی متکی است و پیشنهادات قطعی و ساده‌سازی شده معمولاً نادرست‌اند.

۷. مقایسه با اطلاعات دیگر منابع معتبر اگر متن یک ادعا دارد، آن را در چند منبع شناخته‌شده دیگر جستجو کنید. اگر چندین منبع معتبر آن را تایید کنند، احتمال درستی آن بیشتر است.

تضاد اطلاعات در منابع مختلف می‌تواند نشانه‌ای از نادرستی یکی از آنها باشد.

۸. جستجو درباره تاریخ انتشار داده‌ها در حوزه پزشکی، اطلاعات به سرعت به‌روزرسانی می‌شوند. مطالب قدیمی ممکن است دیگر درست یا کاربردی نباشند. همیشه تاریخ انتشار مطلب را بررسی کنید.

اطلاعات جدیدتر معمولاً دقیق‌تر و معتبرتر هستند. تشخیص علمی بودن اطلاعات هستند.

۹. بررسی ادعاهای مرتبط با «محصولات یا خدمات پزشکی»

اگر مطلب پزشکی برای تبلیغ یک «محصول» مثل داروهای گیاهی، مکمل‌ها یا تجهیزات خاص آمده است، ممکن است انگیزه تجاری داشته باشد. بیشتر مراقب باشید و صحت علمی آن را بررسی کنید.

محصولات درمانی باید تاییدیه‌های پزشکی رسمی (مانند تأییدیه FDA یا وزارت بهداشت ایران) داشته باشند.

۳. مطالعه مقالات علمی معتبر

اطلاعات پزشکی معتبر اغلب در ژورنال‌ها و مقالات معتبر پزشکی منتشر می‌شوند. پایت‌هایی مانند PubMed یا Google Scholar می‌توانند برای جستجوی مقالات علمی معتبر استفاده شوند.

از مطالبی که فاقد ارجاع به منابع معتبر یا تحقیقات علمی هستند پرهیز کنید.

۴. استفاده از وبسایت‌های رسمی و معتبر

سایت‌های رسمی مانند سازمان بهداشت جهانی WHO، سازمان غذا و داروی آمریکا FDA، وزارت بهداشت ایران یا سایت‌های علمی دانشگاهی برای تایید اطلاعات پزشکی توصیه می‌شوند.

به‌خصوص از اطلاعات منابع رسمی هر کشور برای تطابق با شرایط محلی استفاده کنید.

۵. بررسی نام نویسنده یا ارائه‌دهنده محتوا

اعتبار مطلب بستگی زیادی به اعتبار نویسنده آن دارد. بررسی کنید که آیا نویسنده پزشک حرفه‌ای یا متخصص در حوزه موردنظر است یا خیر.

وجود سوابق علمی یا ارتباط نویسنده با موسسات معتبر نشان‌دهنده قابل اعتماد بودن اوست.



رضا سیلانی

۱. بررسی منبع اطلاعات

ابتدا منبع مطلب را بررسی کنید. اطلاعات پزشکی معتبر معمولاً از موسسات علمی، دانشگاه‌ها، یا سازمان‌های بهداشتی معتبر مانند وزارت بهداشت، سازمان جهانی بهداشت WHO، یا CDC مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها) منتشر می‌شوند.

از منابع ناشناس یا سایت‌های غیررسمی پرهیز کنید.

۲. صحبت با پزشکان یا کارشناسان متخصص اگر شک دارید، مطلب را با پزشک خود یا یک متخصص پزشکی در میان بگذارید. پزشکان متخصصان معمولاً بهترین راهنما برای تشخیص علمی بودن اطلاعات هستند.

سخن نهایی:

اطمینان از صحت اطلاعات پزشکی در فضای مجازی، نیازمند ترکیب مهارت‌های تحقیق، کسب دانش پایه‌ای در پزشکی و بهره‌گیری از منابع معتبر است. اعتماد به اطلاعات بدون بررسی دقیق، خطرناک بوده و می‌تواند سلامت شما یا دیگران را تهدید کند.



رضا سیلانی

فرسودگی بافت‌های شهری و رشد نامتوازن مواجه شده‌اند، از معماران و شهرسازان برای یافتن راه‌حل‌های پایدار بهره برده‌اند. اما در ایران، به‌ویژه در استان‌های غربی و جنوب غربی، این نگاه هنوز در تصمیم‌گیری‌های کلان شهری جایگاهی پیدا نکرده است.

نقشه توزیع شرکت کنندگان مسابقه معماری

پراکندگی ۳۸۹ شرکت کننده در مسابقه بوموسی



مسکونی جزیره بوموسی، به‌وضوح نشان‌دهنده این مسئله است. در میان ۳۸۹ معمار شرکت کننده از سراسر کشور، سهم استان‌های غربی و جنوب غربی بسیار ناچیز بوده و در برخی استان‌ها به صفر رسیده است.

استان خوزستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، همدان، کردستان، زنجان، اردبیل، آذربایجان غربی، مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر، مجموعاً درصدی بسیار پایین از کل شرکت کنندگان را تشکیل داده‌اند، درحالی‌که استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی بیشترین حضور را داشته‌اند. در برخی از این استان‌ها، مانند خوزستان، هیچ شرکت کننده‌ای ثبت نشده است، درحالی‌که برخی دیگر تنها ۱ تا ۲ درصد از کل شرکت کنندگان را تشکیل داده‌اند.

این آمار، فراتر از یک آمار ساده، نشانه‌ای از ضعف جایگاه تفکر معماری در این مناطق است. چرا استان‌هایی که دارای یکی از متنوع‌ترین الگوهای معماری بومی ایران هستند، در چنین رقابت‌هایی حضوری ندارند؟ آیا این تنها یک ضعف در حوزه آموزش معماری است، یا نشان‌دهنده یک نگاه کلان مدیریتی است که معماری را ابزار حل مسائل شهری نمی‌داند؟

پیشینه‌ای درخشان که در دوران معاصر به



محمد مالی
@mohammademali

آخی! آقای فلان قانع نشدند، چرا آبرویشان را بردید؟ باید محسسه آن‌ها را چون هم‌چنان ما هستند می‌ساختید. اصلاً انسان ممکن القصور مدیریتی است. آن هم قصور چند میلیارد دلاری. بله دوستان، این است تشست رسوایی سیاسی کاری که پدر این مردم را درآورده است. لعنت به تبعیض آن هم در عدالت و انصاف.

سه شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۳ / سال چهارم/ شماره ۹۵۵

خوزی‌ها را در وب‌کیوسک‌های جار و طاقچه بخوانیم

<https://taaghche.com>

<https://www.jaaar.com>

اعضای شورای سیاستگذاری روزنامه خوزی‌ها

حسن دادخواه، مهدی قمشی، حمیدرضا خدابخشی، عباس امام، یدالله مهرعلیزاده، حسین آقایی جنت‌مکان، بابک مختاری، لفته منصوری، ابراهیم افتخار، حسین علیخانی، محسن صنیعی، کیوان لطفی، امین شحیطاوی و احسان دانشور.

افتخار خودکفایی و خودباوری اینجا معنا پیدا می‌کند: فولاد اکسین خوزستان ایستاده در برابر ناترازی‌ها

چگونه فولاد اکسین خوزستان در اوج بحران ناترازی انرژی کشور
به رکورد تولیدی جدیدی در تاریخ شرکت دست پیدا کرد؟

شرکت فولاد اکسین خوزستان در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ موفق به ثبت رکورد تولید روزانه جدیدی شد که نشان‌دهنده توانمندی و همت والای متخصصان و کارگران این مجموعه است. تولید ۵ هزار و ۱۴۰ تن در یک روز توسط فولاد مردان اکسینی در شرایطی به دست آمد که صنعت فولاد کشور با چالش‌های متعددی همچون ناترازی انرژی و تحریم‌های بین‌المللی مواجه است.

ناترازی انرژی و تأثیر آن بر صنعت فولاد

صنعت فولاد به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصارف کنندگان انرژی، به‌ویژه برق، در کشور شناخته می‌شود. قطعی‌های مکرر برق ناشی از ناترازی در تأمین انرژی، منجر به توقف یا کاهش شدید تولید در کارخانجات فولاد شده و ظرفیت تولید را به میزان قابل‌توجهی کاهش داده است. این مسئله علاوه بر کاهش تولید، موجب نارضایتی مشتریان و از دست دادن بازارهای صادراتی نیز شده است.

بر اساس گزارش‌ها، محدودیت‌های انرژی به‌ویژه قطعی برق، شرکت فولاد اکسین خوزستان را با چالش‌های قابل‌توجهی در ابعاد مختلف مواجه کرده است اما فولادمدان این شرکت با

استفاده از فرصت‌ها شرایط را به شکلی رقم زده‌اند که در عین حال وجود این چالش‌ها به خلق رکوردهای تولیدی بپردازند.

تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای خارجی
علاوه بر مشکلات داخلی، تحریم‌های ظالمانه دشمنان نیز فشار مضاعفی بر صنعت فولاد کشور وارد کرده است. این تحریم‌ها دسترسی به فناوری‌های نوین، تجهیزات پیشرفته و بازارهای بین‌المللی را محدود کرده و

هزینه‌های تولید را افزایش داده است. با این وجود، شرکت فولاد اکسین خوزستان با تکیه بر توان داخلی و بهره‌گیری از تخصص نیروهای بومی، توانسته است بر بسیاری از این موانع غلبه کند.

نقش نیروهای بومی و متخصص در ثبت رکورد تولید

یکی از عوامل کلیدی در موفقیت‌های اخیر شرکت فولاد اکسین خوزستان، استفاده از توان نیروهای بومی و متخصص است. این شرکت با تکیه بر دانش و تجربه متخصصان داخلی، توانسته

است فرآیندهای تولید را بهبود بخشیده و بهره‌وری را افزایش دهد. به عنوان مثال، در اسفند ماه سال جاری، فولاد مردان اکسین خوزستان موفق شدند در طول ۲۴ ساعت با تولید ۵ هزار و ۱۴۰ تن اسلب، رکورد تولید روزانه جدیدی را در تاریخ این شرکت به ثبت برسانند.

استراتژی‌های مقابله با چالش‌ها و دستیابی به رکورد تولید

شرکت فولاد اکسین خوزستان با اتخاذ استراتژی‌های مناسب، توانسته است بر چالش‌های موجود فائق آید و به رکوردهای تولیدی دست یابد. یکی از این استراتژی‌ها بحث بهبود فرآیندهای تولید است که با بهره‌گیری از تکنیک‌های نوین مدیریتی و مهندسی، فرآیندهای تولید بهینه‌سازی شده و بهره‌وری افزایش یافته است.

تأمین پایدار مواد اولیه با ایجاد زنجیره تأمین مطمئن و همکاری با تأمین‌کنندگان داخلی و حل مشکلات مربوط به تأمین مواد اولیه و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی با آموزش و توانمندسازی کارکنان و افزایش تخصص و مهارت نیروی کار که منجر به بهبود کیفیت و کمیت تولید شده است از دیگر راهکارهای اجرایی در شرکت فولاد اکسین خوزستان هستند.

همچنین با اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف انرژی و استفاده از فناوری‌های کارآمد، مصرف انرژی بهینه‌سازی شده و تأثیر ناترازی انرژی کاهش یافته است و همین مساله نیز شرایطی را رقم زده تا فولاد اکسین خوزستان با وجود بحث ناترازی‌های انرژی به جهش تولید و ثبت رکوردهای تولیدی دست پیدا کند.

موفقیت شرکت فولاد اکسین خوزستان در ثبت رکورد تولید روزانه در تاریخ ۱۲ اسفند

۱۴۰۳، نشان‌دهنده عزم و اراده نیروهای بومی و متخصص در مقابله با چالش‌های موجود است.

این دستاورد حاکی از آن است که با برنامه‌ریزی مناسب، بهره‌گیری از توان داخلی و مدیریت کارآمد، می‌توان بر مشکلاتی نظیر ناترازی انرژی و تحریم‌های بین‌المللی غلبه کرده و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافت؛ چیزی که سرلوحه کار مدیران و کارگران مجموعه فولاد اکسین خوزستان است و برای رسیدن به ایرانی آباد تا پای جای به این مساله ایمان و باور دارند.



روزنامه
مستقل
صبح
ایران

زیر نظر تحریریه

انتشارات:

نشر فرهنگ / اهواز

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمد مالی

قائم مقام و معاون سردبیر:

بهاره کریمی

مدیر هنری:

فرزاد موسوی

صفحه اینستاگرام:

@khouzihadaily

کانال تلگرام:

@khouzihadaily

توییتر:

@khouzihadaily

جیمیل:

khouzihadaily99@gmail.com

ویراستار:

شیرین محمدیان

روابط عمومی:

توماج ممبینی

سرویس عکس:

عادل مسلمانی

کانال ارتباطی:

۰۹۱۶۶۱۱۳۲۹۱

فراخوان مناقصه عمومی (ارزیابی کیفی) نوبت اول

شناسه چاپ: ۲۳۷۶۸۷۵

شناسه آگهی: ۱۸۹۵۳۹۸



شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
(سهامی خاص)

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می‌باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م/۰۳/۲۸۴۰۰۳ مربوط به تهیه و تأمین ۲۵ دستگاه مینی بوس کولردار مدل ۹۰ و به بالا با راننده به‌صورت ۱۲ ساعته داخلی جهت ایاب و ذهاب کارکنان روز کار عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در سطح شهر اهواز مورد نیاز عملیات اتوبوسرانی مدیریت عملیات ترابری و پشتیبانی تولید.

تهیه و تأمین ۲۵ دستگاه مینی بوس کولردار مدل ۹۰ و به بالا با راننده به‌صورت ۱۲ ساعته داخلی جهت ایاب و ذهاب کارکنان روز کار عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در سطح شهر اهواز مورد نیاز عملیات اتوبوسرانی مدیریت عملیات ترابری و پشتیبانی تولید.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب مدیریت عملیات ترابری و پشتیبانی تولید مدت انجام آن ۳۶۵ روز می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۱۸۹,۴۳۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
دارای گواهینامه تعیین صلاحیت و رتبه بندی شرکت‌های خدماتی در رشته ایاب و ذهاب کد ۱ (حداقل با رتبه کلی ۶) صادره از اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی - ارائه مدرکی دال بر دارا بودن خط مشی HSE - ارائه صورت حساب‌های مالی منتهی به سال ۱۴۰۲ ثبت شده در سامانه پردیس که به تایید سازمان حسابرسی رسیده باشد - در زمان عقد قرارداد اخذ گواهینامه صلاحیت ایمنی از سوی پیمانکار برنده الزامی خواهد بود - در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، اولیت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد. - توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۹,۴۷۱,۷۵۰,۰۰۰ ریال (همچنین ۱۰ درصد مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) به عنوان تضمین انجام تعهدات می‌باشد. - مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
توجه: ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک‌های پاسارگاد و سپه قابل پذیرش نمی‌باشد.

ه- محل و مهلت دریافت اسناد
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.
۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۱,۴۲۸,۰۰۰ ریال به حساب‌ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadiran.ir
ضمناً بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز مدارک ارزیابی کیفی خود را مطابق با اطلاعات درخواست شده در استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میدارد به مدارکی که شرایط مندرج در متن آگهی و استعلام ارزیابی کیفی را لحاظ ننموده اند ترتیب اثر ندهد.

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تأسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

امور حقوقی و قراردادهای - مناطق نفتخیز
[WWW.NISOC.IR](http://www.nisoc.ir) <http://iets.mporg.ir>